



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی

مقدمه ، تصحیح و تحشیه «جواهر نامه» محمد بن مبارکشاه قزوینی

استادان راهنما:

دکتر سید علی اصغر میر باقری فرد

دکتر حسین آقا حسینی

استاد مشاور:

دکتر محسن محمدی فشارکی

پژوهشگر:

سمانه جعفری

مهر ماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه ی دکتری رشته ی زبان و ادبیات فارسی

خانم سمانه جعفری تحت عنوان

مقدمه، تصحیح و تحشیهی «جواهر نامه» محمد بن مبارکشاه قزوینی

در تاریخ ۳۰/۷/۹۱ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی... به تصویب نهایی رسید.

۱- استادان راهنمای پایان نامه دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد با مرتبه ی علمی استاد امضا

دکتر حسین آقا حسینی با مرتبه ی علمی دانشیار امضا

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر محسن محمدی فشارکی با مرتبه ی علمی استادیار امضا

۳- استادان داور داخل گروه دکتر مهدی تدین با مرتبه ی علمی استاد امضا

دکتر سید مهدی نوریان با مرتبه ی علمی استاد امضا

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر محمود مدبری با مرتبه ی علمی استاد امضا

امضای مدیر گروه

نام و نام خانوادگی: سمانه جعفری

مقطع تحصیلی: دکتری

رشته و گرایش: زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه: ادبیات و علوم انسانی

استادان راهنما: دکتر علی صغر میرباقری فرد، دکتر حسین آقاحسینی استاد مشاور: دکتر محسن محمدی فشارکی

مقدمه، تصحیح و تحشیه «جواهر نامه» محمد بن مبارک شاه قزوینی

تاریخ دفاع: ۹۱/۷/۳۰

«محمد بن مبارک شاه قزوینی» (و: ۹۶۶ ق.). ملقب به «حکیم شاه»، حکیم، متکلم، فیلسوف، مترجم و طیب حاذق دربار عثمانی است. وی از محضر استادان بزرگی چون «جلال الدین دوانی» و «صدر الدین دشتکی» بهره برده و به سبب تسلط بر زبان های فارسی، عربی و ترکی و دسترسی به کتب پیشینیان، توانسته است کتاب های ارزشمندی در علوم مختلف تألیف کند.

یکی از این آثار، کتاب فارسی «جواهر نامه» یا «معرفه الجواهر» است که در شرح صفات، انواع، معادن، عیوب، روش نگهداری، طبیعت و خواص جواهرات و نیز برخی از احجار تألیف شده است. این اثر با دو مقدمه آغاز می شود؛ مقدمه نخست که مشتمل بر حمد و ستایش خداوند، نعت پیامبر و منقبت آل اطهار و اصحاب اختیار است و مقدمه دوم که شامل تعاریف فلسفی و طبیعی است که از واجب الوجود آغاز می شود و به اجساد سببه می انجامد. پس از این دو مقدمه کوتاه، بخش اصلی متن آغاز می شود که مشتمل بر یک معدن «در جواهر» و یک خاتمه «در نسبت برخی جواهر با بعضی» است و سپس یک مخزن «در فلزات» و خاتمه ای دیگر در «نسبت فلزات با یکدیگر».

تا پیش از تألیف این جواهر نامه در قرن دهم هجری جواهر نامه های متعددی در جهان اسلام تألیف شده اما جواهر نامه قزوینی ویژگی هایی دارد که آن را از سایر آثار پیش و پس از خود متمایز و تحقیق و تدقیق در آن را ضروری می سازد. یکی از این ویژگی ها، تنوع و تعدد جواهر و احجار معرفی شده در این کتاب است. همچنین استفاده از آثاری که در این علم در حوزه های شرقی و غربی جهان اسلام تألیف شده بود این کتاب را جامع جواهر نامه های پیش از خود ساخته است.

ویژگی دیگر این اثر، سبک نثر آن است؛ بررسی سبک این رساله نشان می دهد که علی رغم دوری مؤلف از مرکز زبان فارسی، به سبب طبع شاعرانه و ذوق ادبی وی و نیز تسلط بر آثار بزرگان دوره های پیشین در علوم مختلف، کتاب وی با وجود تأثیر پذیری از زبان عربی از بسیاری از سهو های لغوی و دستوری و نیز تکلفات رایج

در آن دوره میراست و با سادگی و ایجاز لازم برای یک متن علمی، به خوبی از عهده انتقال پیام به مخاطب بر آمده است .

در این رساله این اثر ارزشمند بر اساس سه نسخه تصحیح شده است؛ نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی که در سال ۱۰۴۷ هجری کتابت شده و به سبب قدمت، اصالت و افتادگی کمتر به عنوان نسخه اساس انتخاب شده است. نسخه کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) که کتابت آن در سال ۱۲۷۹ به پایان رسیده. و نسخه کتابخانه ملی که در سال ۱۲۸۲ برای ناصرالدین شاه کتابت شده است. از مطابقت متن دو نسخه اخیر در بسیاری از موارد و نیز پایان ناتمام یکسان آن دو می توان احتمال داد که نسخه کتابخانه ملی از روی نسخه سپهسالار استنساخ شده باشد. اختلافات این دو نسخه با نسخه اساس بسیار است و اکثر عبارات مبهم و نامفهوم نسخه اساس در آنها حذف و یا با عبارات ساده ای جایگزین شده است .

همچنین این رساله افزون بر متن جواهر نامه و مقدمه ای در باب زندگی ، آثار و سبک مؤلف، تعلیقات و فهرست هایی را در بر دارد که با طبقه بندی و شرح برخی از اصطلاحات و اعلام، درک متن را تسهیل می نماید و با مقایسه مندرجات این اثر با برجسته ترین جواهر نامه های فارسی و عربی و درج برخی از مهم ترین تفاوت ها و شباهت ها، اطلاعات بسیاری در باب جواهر، احجار و فلزات به خواننده می دهد .

کلید واژه: محمد بن مبارک شاه قزوینی، حکیم شاه، جواهر نامه، سبک شناسی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	نه
۱- پیشینه جواهر نامه نویسی تا قرن دهم هجری.....	دوازده
۲- حکیم محمد بن مبارک شاه قزوینی.....	شانزده
۲-۱- آثار «محمد بن مبارک شاه قزوینی».....	هجده
۳- «جواهر نامه» محمد بن مبارک شاه قزوینی.....	نوزده
۳-۱- منابع جواهر نامه قزوینی.....	بیست
۳-۱-۱- «جواهر نامه سلطانی» میر صدر الدین دشتکی.....	بیست
۳-۱-۲- «زهار الافکار فی جواهر الاحجار» تیفاشی.....	بیست و دو
۳-۱-۳- آثار حکمای یونان.....	بیست و سه
۳-۱-۴- سایر آثار.....	بیست و سه
۳-۲- سبک نثر رساله «جواهر نامه».....	بیست و سه
۳-۲-۱- سطح فکری.....	بیست و چهار
۳-۲-۲- سطح ادبی.....	بیست و پنج
۳-۲-۳- سطح زبانی.....	بیست و شش
۳-۲-۳-۱- سطح آوایی.....	بیست و شش
۳-۲-۳-۲- سطح لغوی.....	بیست و هفت
۳-۲-۳-۳- سطح نحوی.....	بیست و هشت
۳-۳- معرفی نسخه های «جواهر نامه».....	سی
۳-۳-۱- نسخه اساس.....	سی
۳-۳-۱-۱- رسم الخط نسخه اساس.....	سی و یک
۳-۳-۲- نسخه مط.....	سی و دو

عنوان	صفحه
۳-۳-۳- نسخه کم.....	سی و سه
۴- روش کار.....	سی و چهار
پی نوشت.....	سی و هشت
آغاز کتاب جواهر نامه.....	
۱.....	
مقدمه.....	۴
معادن اوّل : در جواهر.....	۷
درج اوّل : در دُرّ.....	۷
عقد اوّل: در ماهیت دُرّ و در اسماء و صفات او.....	۷
عقد دوم: در تمیّز اصناف دُرّ و تمیّز اقسام آنها.....	۱۱
عقد سوم : در محلّ تکوّن دُرّ.....	۱۵
عقد چهارم: در بیان آنچه به دُرّ ضرر برساند و طریق محافظت دُرّ از هر چه به او ضرر رساند و طریق اصلاح معایب و مفاسد او.....	۲۰
عقد پنجم : در طبیعت و خواصّ و افعال و کیفیت حلّ دُرّ.....	۲۳
درج دوم : در یاقوت.....	۲۵
عقد اوّل : در اسم و ماهیت و صفات یاقوت و اقسام او.....	۲۵
عقد دوم : در صفات یاقوت.....	۲۶
عقد سوم : در تمیّز اصناف یاقوت و قیمت آنها.....	۲۸
عقد چهارم: در کان یاقوت و زمان تکوّن آن.....	۳۱
عقد پنجم: در عدّ معایب یاقوت و علاج آنها به قدر مقدرت و امکان.....	۳۳
عقد ششم: در طبیعت و خواصّ و افعال یاقوت.....	۳۴
درج سوم : در زمرد.....	۳۶
عقد اوّل : در اصناف و اوصاف زمرد.....	۳۶
عقد دوم : در تمیّز اصناف زمرد و قیمت آنها.....	۳۸
عقد سوم : در کان زمرد و طریق تکوّن آن.....	۳۹
عقد چهارم : در معایب زمرد و طریق علاج آنها.....	۴۰
عقد پنجم : در طبیعت و خاصّیت و افعال زمرد.....	۴۱

عنوان	صفحه
درج چهارم : در زبرجد.....	۴۲
عقد اول : در زبرجد و صفات او	۴۲
عقد دوم : در تمیّز انواع زبرجد	۴۳
عقد سوم : در کان زبرجد و بیان تکوّن آن	۴۳
عقد چهارم : در خواصّ زبرجد.....	۴۴
درج پنجم : در الماس	۴۵
عقد اول : در ماهیت و صفات انواع الماس	۴۵
عقد دوم : در تمیّز انواع الماس	۴۷
عقد سوم : در کان الماس و طریق تکوّن او	۴۷
عقد چهارم : در طبیعت و خاصّیت و افعال الماس.....	۴۹
درج ششم : در عین الهمّ	۵۱
عقد اول : در ماهیت و صفات عین الهمّ	۵۱
عقد دوم : در کان و کیفیّت تکوّن عین الهمّ	۵۱
عقد سوم : در تمیّز اصناف عین الهمّ.....	۵۲
عقد چهارم : در طبیعت و خاصّیت عین الهمّ.....	۵۳
درج هفتم : در لعل	۵۳
عقد اول : در ماهیت و صفات انواع لعل	۵۳
عقد دوم : در تمیّز انواع لعل و قیمت آنها	۵۶
عقد سوم : در کان لعل	۵۷
عقد چهارم : در طریق محافظت و عدّ معایب لعل و طریق ازاله آن	۵۹
عقد پنجم : در طبیعت و خاصّیت لعل	۵۹
درج هشتم: در فیروزه	۶۰
عقد اول: در ماهیت و صفات اصناف فیروزه	۶۰
عقد دوم: در کان فیروزه و کیفیّت تکوّن آن.....	۶۳
عقد سوم : در تمیّز انواع فیروزه	۶۴
عقد چهارم: در بیان چیزی که به فیروزه مضرت رساند و طریق محافظت آن از آن	۶۵
عقد پنجم: در طبیعت و خاصّیت فیروزه	۶۵
درج نهم: در پازهر حیوانی و کانی و باقی سنگ های حیوانی	۶۷

عنوان	صفحه
عقد اول: در ماهیت پازهر و حقیقت آن و معنی لفظ پازهر	۶۷
عقد دوم: در تمیز اقسام پازهر و قیمت او	۶۹
عقد سوم: در کان پازهر و کیفیت تکون آن	۷۲
عقد چهارم: در طبیعت و خاصیت پازهر	۷۴
عقد پنجم: در ذکر سایر سنگ های حیوانی	۷۸
درج دهم: در عقیق	۸۵
عقد اول: در ماهیت و صفات انواع عقیق	۸۵
عقد دوم: در تمیز انواع عقیق و قیمت آنها	۸۵
عقد سوم: در کیفیت تکون عقیق	۸۶
عقد چهارم: در طبیعت و خاصیت عقیق	۸۶
درج یازدهم: در بعضی اشباه یاقوت	۸۸
عقد اول: در ماهیت و صفات اشباه یاقوت	۸۸
عقد دوم: در تمیز اقسام ایشان و قیمت آنها	۸۹
عقد سوم: در کان این جواهر ثلاثه	۹۰
عقد چهارم: در طبیعت و خاصیت این جواهر ثلاثه	۹۰
درج دوازدهم: در جزع	۹۱
عقد اول: در ماهیت و صفاتو کان جزع	۹۱
عقد دوم: در طبیعت و خاصیت جزع	۹۲
درج سیزدهم: در مقناطیس	۹۳
عقد اول: در اصناف مقناطیس	۹۳
عقد دوم: در اقسام آهن ربا و بهای آنها	۹۷
عقد سوم: در کان آهن ربا	۹۸
عقد چهارم: در طبیعت و خاصیت مقناطیس	۹۸
درج چهاردهم: در سنباده	۱۰۰
عقد اول: در ماهیت سنباده	۱۰۰
عقد دوم: در کان سنباده	۱۰۱
عقد سوم: در طبیعت و خاصیت سنباده	۱۰۱
درج پانزدهم: در دهنه	۱۰۱

عنوان	صفحه
عقد اول: در ماهیت و صفات دهنه	۱۰۱
عقد دوم: در کان دهنه و کیفیت تکون آن	۱۰۲
عقد سوم: در تمیز اصناف دهنه	۱۰۳
عقد چهارم: در طبیعت و خاصیت دهنه	۱۰۴
درج شانزدهم: در لاجورد	۱۰۵
عقد اول: در ماهیت و صفات اصناف لاجورد	۱۰۵
عقد دوم: در کان لاجورد و کیفیت تکون آن	۱۰۶
عقد سوم: در طریق غسل و شستن لاجورد	۱۰۷
عقد چهارم: در طبیعت و خواص لاجورد	۱۰۸
درج هفدهم: در بسد و مرجان	۱۰۹
عقد اول: در ماهیت و صفات اصناف ایشان	۱۰۹
عقد دوم: در تمیز اصناف مرجان	۱۱۰
عقد سوم: در کان مرجان و طریق استخراج آن	۱۱۰
عقد چهارم: در طبیعت و خاصیت مرجان و بسد و افعال ایشان	۱۱۱
درج هجدهم: در یشب	۱۱۲
عقد اول: در ماهیت و اوصاف اصناف ایشان	۱۱۲
عقد دوم: در قسمت یشم و یشب	۱۱۳
عقد سوم: در کان یشم و یشب	۱۱۳
عقد چهارم: در خاصیت یشم و یشب	۱۱۳
درج نوزدهم: در بلور	۱۱۴
عقد اول: در ماهیت بلور و صفات اصناف او	۱۱۴
عقد دوم: در کان بلور	۱۱۵
عقد سوم: در تمیز اصناف بلور	۱۱۵
عقد چهارم: در خاصیت بلور	۱۱۶
درج بیستم: در جمست	۱۱۶
عقد اول: در ماهیت جمست	۱۱۶
عقد دوم: در کان جمست	۱۱۶
عقد سوم: در تمیز اصناف جمست	۱۱۶

عنوان	صفحه
عقد چهارم: در خاصیت جمست	۱۱۶
درج بیست و یکم: در احجار متفرقه و نسبت جواهر با یکدیگر	۱۱۷
عقد اول: در سبج	۱۱۷
عقد دوم: در خماین	۱۱۷
عقد سوم: در طلق	۱۱۸
عقد چهارم: در حجر المطر	۱۱۹
عقد پنجم: در حجر العقاب	۱۲۰
عقد ششم: در حجر البسر	۱۲۱
عقد هفتم: در سنگ یرقان	۱۲۱
عقد هشتم: در حجر «با غص الخلّ» و حجر «جاذب الخلّ»	۱۲۱
عقد نهم: در حجر الزيت	۱۲۱
عقد دهم: در حجر الیهود	۱۲۱
عقد یازدهم: در حجر اللبني	۱۲۲
عقد دوازدهم: در حجر الفار	۱۲۲
عقد سیزدهم: در حجر الدم	۱۲۲
عقد چهاردهم: در حجر القمر	۱۲۳
عقد پانزدهم: در حجر ذو الوان	۱۲۳
عقد شانزدهم: در حجر النوم و حجر الیقظه	۱۲۳
عقد هفدهم: در حجر المثقال	۱۲۴
عقد هجدهم: در مرکشیشا	۱۲۴
عقد نوزدهم: در مغنیسا	۱۲۴
عقد بیستم: در حجر الکحل و حجر التوتیا	۱۲۵
عقد بیست و یکم: در احجاری که میر و تیفاشی ذکر نفرموده اند و مجربین حکما و اطبا فواید مجربۀ آنها ذکر فرموده اند	۱۲۶
خاتمه: در نسبت بعضی جواهر با بعضی و بیان نسبت ایشان	۱۲۹
[معدن دوم: در فلزات]	۱۳۰
ظرف اول: در ذهب	۱۳۰
انای اول: در ماهیت و صفات ذهب	۱۳۰

عنوان	صفحه
انای دوم: در کان زر و تمیز اصناف او	۱۳۱
انای سوم: در طبیعت و خاصیت زر	۱۳۱
ظروف دوم: در نقره	۱۳۲
انای اول: در ماهیت نقره و صفات اصناف او و تمیز میان آنها	۱۳۲
انای دوم: در طبیعت و خاصیت نقره	۱۳۳
ظرف سوم: در نحاس	۱۳۳
انای اول: در ماهیت مس و صفات اصناف و کان او	۱۳۳
انای دوم: در طبیعت و خاصیت مس	۱۳۴
ظرف چهارم: در قلعی	۱۳۵
انای اول: در ماهیت قلعی و کان و صفات اصناف او	۱۳۵
انای دوم: در طبیعت و خاصیت قلعی	۱۳۵
ظرف پنجم: در اسرب	۱۳۶
انای اول: در ماهیت اسرب و صفات اصناف او و کان او	۱۳۶
انای دوم: در طبیعت و خاصیت اسرب	۱۳۷
ظرف ششم: در حدید	۱۳۷
انای اول: در ماهیت و اوصاف اصناف او	۱۳۷
انای دوم: در طبیعت و خاصیت حدید	۱۳۸
ظرف هفتم: در خارصینی	۱۴۰
[ظرف هشتم]: در مرکب از فلزات	۱۴۲
[خاتمه]	۱۴۳
تعلیقات	۱۴۴
فهرست آیات	۱۶۶
فهرست احادیث	۱۶۷
فهرست ابیات	۱۶۸
فهرست اعلام تاریخی	۱۷۰
فهرست اعلام جغرافیایی	۱۷۲
فهرست نام سنگ ها، فلزها، ممزوجات و دست ساخت ها	۱۷۴

صفحه	عنوان
۱۸۲.....	فهرست نام گیاهان، جانوران و مواد مربوط به آنها
۱۸۵.....	فهرست اصطلاحات
۱۸۸.....	فهرست بیماری ها
۱۹۰.....	فهرست کتابها
۱۹۱.....	فهرست منابع

مقدمه

نسخه های خطی گنجینه ای گران قدر از فرهنگ اسلامی- ایرانی است که ارزش و اهمیت آن بر همگان آشکار است اما با وجود همه کوشش هایی که در سال های اخیر منجر به نشر صدها کتاب و رساله ارزشمند شده، هنوز آثار بسیاری از حکما و نویسندگان از دسترس محققان علاقه مند دور مانده است. بسیاری از این آثار، کتاب ها و رساله های علمی ای است که به سبب بی توجهی به آن علوم در عصر جدید و نیز عللی دیگر چون ناشناسی مؤلف، مغفول مانده است. اما باید توجه داشت که همه آنچه گذشتگان ما در زمینه دانش ها و علوم مختلف پدید آورده اند جزئی از فرهنگ و ادبیات ماست. این آثار علاوه بر اهمیتی که از نظر دانش گذشته دارد، به سبب در بر داشتن ویژگی های لغوی و زبانی زمان تألیف، همچنین تأثیری که در متون پس از خود دارد و نیز اشاره به حوادث تاریخی و زندگی بزرگان از ارزش و جایگاه ویژه ای برخوردار است.

یکی از این علوم، «گوهر شناسی» است که به عنوان یکی از بخش های مهم علم «کانی شناسی» رواج داشته و البته مبانی آن در بسیاری از موارد با کانی شناسی امروز مغایرت دارد. علاقه سلاطین و ملوک به شناخت ارزش جواهرات و استفاده تزئینی از آنها و همچنین اعتقاد عوام و نیز خواص آن دوره به تأثیر گذاری جواهر بر روح و جسم آدمی که در بسیاری از موارد متأثر از اعتقادات نجومی و انتساب این سنگ های قیمتی به ستاره های آسمانی است همواره موجب توجه اطباء، دارو سازان، کانی شناسان، جغرافی دانان و حتی خواب گزاران به این علم شده است.

«گوهر» واژه ای فارسی است که برای سنگ های گران بها یا احجار کریمه به کار برده می شود ولی از دید دانش گوهرشناسی معنی گسترده تری دارد: «گوهر ها، کانی ها و یا بلور هایی اند که نظر انسان ها را به سبب رنگ خوش و یا پدیده های نوری مثل درخشش و شفافیت به خود معطوف می کنند ولی اهمیت آنها بیشتر برای داشتن رنگ خوش، سختی زیاد و در ضمن کمیاب بودن آنهاست. بر این اساس، واژه گوهرشناسی نیز به معنی دانش گوهر ها و یا دانش سنگ های گران بها و بخشی از دانش کانی شناسی است.» (دانایی، ۱۳۷۶: ۱۸)

«به اعتقاد قدما هر یک از گوهر ها غیر از خواص دارویی چنانچه به عنوان زینت آلات مورد استفاده قرار گیرد وسیله ای برای پیش گیری از بیماری ها، خنثی کردن چشم زخم، رسیدن به خوش بختی، رفاه، عزت، احترام و ثروتمندی یا بد بختی و تیره روزی صاحب آن خواهد شد. این باور بین مردم کشورهای غربی نیز رواج دارد؛ آنان عقیده دارند که در هر ماه مزین کردن خود به یکی از سنگ های قیمتی باعث خرمی و شادی و موفقیت آنها در کار است.»^۱ (زاوش، ۱۳۷۵: ۵۳ و ۵۴)

البته گرایش غربی ها به این علم، امری کاملاً طبیعی است زیرا آثار بر جای مانده در علم جواهر شناسی تقدّم حکما و پزشکان یونان و روم را در این علم به اثبات می رساند. اما از قرن دوم هجری به بعد با رواج ترجمه کتاب های لاتینی، سریانی و هندی به عربی، دانشمندان جهان اسلام نیز با این علم و آثار نوشته شده در آن بیشتر آشنا شدند و خود به تألیف کتاب هایی در این باب پرداختند. هرچند در بسیاری از این آثار مطالب غیر علمی زیادی به چشم می خورد اما برخی از آنها مانند «الجواهر فی معرفه الجواهر» ابوریحان بیرونی نقش بسیار مهمی در پیشرفت دانش کانی شناسی داشته است. تألیف این کتاب ارزشمند موجب توجه بیشتر دانشمندان جهان اسلام به دانش گوهر شناسی شد و پس از آن بسیاری از حکمای بزرگ کوشیدند مطالب آن را بسط و گسترش دهند. برخی از آنان با افزودن مدخل هایی از کانی ها و مواد معدنی جدید آثاری متفاوت خلق نمودند و برخی دیگر به جمع آوری اعتقادات عوام در باب خواص جواهر در آثار خود روی آوردند. گروهی از اطباء نیز با تدوین آثاری در خواص پزشکی جواهرات این شاخه از کانی شناسی را گسترش دادند.

محمد بن مبارک شاه قزوینی نیز از جمله طبّایی است که چون فواید پزشکی آثار متقدّم و از جمله جواهر نامه استادش، صدر الدین دشتکی را اندک می داند، کوشیده است با نگارش کتابی با محوریت خواص پزشکی جواهر، اثری متفاوت بیافریند. وی در مقدمه کتاب خود می گوید:

«و آن رساله با وجود کثرت اشتغال بر احوال جواهر به تفصیل و اجمال، خالی بود از تفصیل بعضی احوال طبّی در منفعت و مضرت جواهر به بدن انسانی و کیفیت استعمال آنها در اعراض مخصوصه و کمیّت مقادیر استعمال آنها در اوقات مخصوصه و حال آن که معظم فواید جواهر چنان که بر اکابر و اصاغر مخفی نیست، همین است.

... و همچنین بعضی احوال جواهر بعینه که در رساله حکیم تیفاشی مذکور بوده، امیر مزبور ذکر نفرموده چه آن رساله در منظر شریف ایشان حاضر نبوده. بنا بر این فقیر حقیر ابن المبارک محمد القزوینی که از جمله شاگردان کمیته امیر کبیر کثیر الخیر مذکور است رساله ای فارسی در معرفت جواهر ترتیب نمود که مشتمل بر جمیع منافع طبّی و غیر آنها باشد.»

تعداد جواهر و احجار معرفی شده در کتاب او نیز بیش از مدخل های کتاب الجواهر، تنسوخ نامه، جواهر نامه استادش، صدر الدین دشتکی، و نیز حکیم تیفاشی است. از سویی دیگر طرح اعتقادات عوام در موارد متعدّد و نیز اشاره به برخی داستان ها و حکایاتی که در کتاب های مذکور ذکری از آن به میان نیامده موجب خلق اثری متفاوت گشته.

البته قزوینی علاوه بر اطلاعات پزشکی از ذوق شاعری نیز بهره مند است. او با اشعار شاعران پارسی گوی پیش از خود نیز آشناست اما در آثار خود گاه در ابیات سایر شعرا دست برده و متناسب با مضمون سخن خود عبارت یا مصرعی را تغییر داده که در تعلیقات به این موارد اشاره خواهد شد. همچنین روحیه شاعرانه این طبیب به برخی از استدلالات ایشان صبغه ذوقی و ادبی داده است. برای مثال در باب جذب مقناطیس در نقد نظر معلّم اول می گوید:

« یک نظر آن که ماده مقناطیس حدید چنان که معلّم اول فرموده متوجه اکتساب صورت حدید است پس او عاشق اکتساب صورت حدید است و حدید، معشوق، و مقرر است که معشوق جذب عاشق می کند نه عاشق جذب معشوق و لهذا

معشوقان را دلبر و دلربا می‌خوانند زیرا که دل عاشقان را می‌ربایند و می‌برند. پس باید که حدید جذب مقناطیس حدید کند و همچنین [است] قیاس در زر و مقناطیس او و نقره و مقناطیس او. چه حدید معشوق است و جذب او را باشد. و این نظر را جوابی می‌توان گفت به آن که عشق عاشق گاهی که غالب شود جذب معشوق کند به مرتبه ای که همه عاشق، معشوق گردد و از این است که در مثنوی هست، شعر:

«ترسم ای فصّاد چون فصدم کنی نیش را ناگاه بر لیلی زنی»

و حدیث لایزال «عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالْتَوَافُلِ حَتَّى أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْتَطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا» مشعر به این است که مؤمن عاشق حق را، جلّ و علا، عشق او به درجه ای می‌رسد که حق نیز عاشق او می‌گردد به مرتبه ای که سمع و بصر او و دست و پای او و تمام اعضای او می‌گردد و این معنی اشارتی است به جذب عاشق معشوق را و حقیقت سخن آن است که جذب اولاً عاشق می‌کند و قوله تعالی «يَحِبُّهُمْ وَيُحِبُّوهُمْ» و تقدیم «يَحِبُّهُمْ» و تأخیر «يُحِبُّوهُمْ» اشارت ثانی است چه این قول مشعر است به آن که حق اول عاشق بندگان گشته و به عشق خود جذب قلوب ایشان فرموده تا ایشان نیز عاشق او گشته اند و جذب او کرده اند. پس جذب از هر دو طرف باشد. شعر

«اگر از جانب معشوقه نباشد میلی کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد»

اشارت است به این، چنان که مخفی نیست.

البته تعداد حجّت های علمی و استدلال های کاملاً منطقی و بی پیرایه این اثر خیلی بیشتر است. استدلال های دقیقی که اغلب در نقد نظریات استاد خود، صدر الدین دشتکی و برخی از حکمای پیشین مطرح شده است. رویه ای که در سایر کتب جواهر نامه کم نظیر است چرا که بسیاری از این آثار تنها به جمع آوری و تکرار دانسته ها و یافته های قدما بسنده کرده اند و برخی دیگر نیز بدون طرح نظریات سایرین اعتقاد شخصی خود را بیان نموده اند. اما قزوینی در این رساله پنج بار صراحتاً نظریات استاد خود را رد کرده است. نقد تعریف صدر الدین از «جن» یکی از این موارد است.

«و جسم مرکّب اگر مزاج دارد، یعنی کیفیتی متوسط متشابه به کیفیات چهارگانه مذکوره، آن را ممتزج نامند و اگر مزاج ندارد، آن را غیر ممتزج نامند. اگر صاحب نفس مدبّر نباشد، آن را جسم معدنی گویند و اگر صاحب نفس باشد، اگر از نفس او تغذیه و تنمیه و تولید مثل او صادر شود آن جسم را نبات نامند و اگر از نفس او این هر سه فعل و حرکت ارادی نیز صادر شود آن را حیوان خوانند و اگر مصدر این چهار فعل و مصدر ادراک معقولات نیز باشد، آن را انسان خوانند... و این تقسیم در رساله حضرت میر مذکور است و فقیر را در صورت تقسیم میر دو نظر است زیرا که جن در مذهب حکما داخل ممتزجات است چنان که شیخ ابو علی در تعریف جن فرموده که «الجنّ حیوانٌ هوائی مایهت». و با وجود این، تعریف انسان بر او صادق می‌آید زیرا که بر جن صادق است که جسمی است مرکّب که از نفس او تغذیه و تنمیه و تولید مثل و حرکت ارادی و ادراک معقولات صادر می‌شود. پس تعریف انسان مانع نباشد و همچنین لازم می‌آید که تقسیم

مذکور حاصر نباشد زیرا که جن از جمله موجودات است و داخل اقسام مذکوره نیست. پس صواب تقسیم چنان است که گفته شود که جسمی که نفس مدرک معقولات دارد. اگر کثیف باشد انسان بود و اگر لطیف، جن.»

اما همه مندرجات این رساله اینچنین منطقی و عقلانی نیست. در برخی از موارد، قزوینی بدون اظهار نظر منتقدانه، مطالبی را مطرح می کند که نمی توان نام دیگری جز خرافه بر آن نهاد. اگر چه درج این مطالب نیز می تواند در شناخت اعتقادات رایج عصر وی مفید واقع شود. برای نمونه او در خواص دهنه چنین نقل می کند:

«و گفته اند که اگر کسی به وصله دهنه هفت عدد مگس بکشد بعد از آن دهنه را در هاون سحق کند و آب آن را بر موضع قوبا و گزیدگی عقرب بمالد نفع تمام دهد.»

گذشته از مطالب گفته شده، نثر ادبی نسبتاً فصیح این کتاب در مقایسه با سایر آثار آن دوره و نیز اشمال آن بر آیات و روایات و ابیات شعرا بر ارزش آن افزوده است. نثر چنین اثری برای فرهنگ و ادب غنی فارسی بسیار مغتنم است و به عنوان نمونه ای از متون علمی نوشته شده در خارج از مرز های ایران در قرن دهم هجری می تواند در ترسیم دقیق تر خط سیر سبک نثر فارسی در این دوره راه گشا باشد.

از این رو این رساله کوشیده است با به دست دادن متنی منقح از این کتاب به عنوان منبعی مهم در علم جواهر شناسی، مشتاقان تحقیق در این علم را بهره مند سازد. برای استفاده علاقه مندان به ادبیات فارسی و محققان شاخه سبک شناسی نیز علاوه بر تصحیح متن در این مقدمه به تبیین ویژگی های سبکی و مضمونی این اثر و نیز معرفی نویسنده و شرح زندگی و آثار وی پرداخته شده است. همچنین بدین منظور در تعلیقات متن، برخی از اعلام و اصطلاحات شرح داده شد و نیز نتایج حاصل از مقایسه متن این اثر با سایر کتب و رسالات مهم و برجسته این علم در اختلاف اصطلاحات، حکایات نقل شده و ... ثبت گردید تا نتیجه مجموع تحقیقات صورت گرفته بر این کتاب، تبیین کننده جایگاه علمی، زبانی و ادبی جواهر نامه محمد بن مبارکشاه قزوینی و پاسخ گوی پرسش های مطرح شده در طرح تحقیق باشد.

۱- پیشینه جواهر نامه نویسی تا قرن دهم هجری

«جواهر نامه» عنوان کلی آثاری است در زمینه شناخت، دسته بندی، معرفی و گزارش خواص کانی ها. در میان علوم دوره اسلامی، «علم الجواهر» از فروع علوم طبیعی بوده و در کنار «علم المعادن» که به بررسی فلزات می پرداخت، به بررسی جواهر اختصاص داشت. بخش اصلی آثار مربوط به سنگ های قیمتی (جواهرات) و کانی ها با عنوان «جواهرنامه» یا «کتاب الجواهر» معرفی شده است. بخش دیگر این گونه آثار نیز با عنوان «الاحجار» یا «کتاب الاحجار» معرفی شده و امروزه در حیطة دانش کانی شناسی قرار می گیرد.

با توجه به اشتراک موضوعی جواهرنامه ها با آثار پزشکی، داروشناسی و گیاه - داروشناسی، گاه تشابهات و نزدیکی هایی بین این آثار دیده می شود. از دیگر سو، این اشتراک موضوعی باعث شده است تا پاره ای از نخستین آگاهی های دانشمندان دوره اسلامی در باره خواص دارویی کانی ها، نه در کتاب های جواهر و احجار، که در آثار داروشناسی

یافت شود. تعداد این کتاب‌ها بسیار زیاد است. «میرهوف» محقق آلمانی در مقدمه‌ای که بر کتاب «شرح اسماء العقار» ابن عمران موسی بن عبدالله الاسرائیلی القرطبی نوشته به صد و ده مؤلف کتاب‌های دارویی و طبّی اشاره می‌کند که از کتاب‌های آنها فقط نزدیک به یک چهارم در کتابخانه‌های شرق و غرب باقی مانده است. یکی از این آثار کتاب «هیولی الطبّ فی الحشائش و السموم»، ترجمه عربی کتاب «دیوسکوریدس» است که در آن نزدیک به یک‌صد کانی شرح داده شده است.

ایرانیان نیز کتاب‌های زیادی درباره دارو شناسی نوشته‌اند که در اغلب آنها به برخی جواهر و احجار و خواص دارویی آنها اشاره شده است. کتاب «الصیدنه» منسوب به ابو ریحان بیرونی، «الحاوی فی الطب» تألیف زکریای رازی، «قانون» ابن سینا، «الابنیه عن حقایق الادویه» از ابو منصور موفّق هروی، «ذخیره خوارزمشاهی» از زین الدین اسماعیل جرجانی و نیز «تحفه حکیم مؤمن» و «مخزن الادویه» از این جمله است.

گذشته از کتاب‌های دارویی و طبّی، سایر آثار موجود درباره کانی‌ها و سنگ‌های قیمتی بر دو دسته‌اند:

۱. آثاری که فقط بخش یا بخش‌هایی از آنها در باره این موضوع است.

۲. آثاری که به کانی‌ها اختصاص دارند.

از جمله آثار دسته نخست که به زبان عربی نوشته شده رساله نوزدهم از مجموعه رسائل اخوان الصفا (تألیف قرن چهارم) است که در آن به چگونگی تکوین این‌گونه کانی‌ها پرداخته شده و درباره چند نمونه از مهم‌ترین آنها گزارش‌هایی آمده است. (رک: رسائل اخوان الصفا، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۸۷-۱۱۹) در رساله پنجم از این کتاب نیز در قسمت جسمانیات طبیعیات درباره تکوین معادن بحث شده و از سی و نه سنگ معدنی نام برده شده است.

کتاب دیگر «بیان الصناعات» تألیف حبیب بن ابراهیم بن تغلیسی، طبیب و منجم قرن ششم هجری است. این کتاب دارای بیست فصل است و در فصل دوم در صناعت جواهرها از سنگ‌های معدنی، فلزات و آلیاژها نام برده. در سایر فصول کتاب نیز به رنگ کردن جواهر و آب دادن فلزات اشاراتی شده است.

و نیز «عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات» زکریا بن محمد بن محمود المکمونى القزوینی که در حقیقت نوعی تاریخ طبیعی و نجوم است و در قسمت معدنیات آن از قریب صد و بیست ماده اسم برده شده.

در میان آثار فارسی هم کتاب‌های بسیاری از این دست وجود دارد: طبیعیات «دانشنامه علایی» تألیف ابن سینا، «فرخ‌نامه» تألیف جمالی یزدی، «جامع‌العلوم» فخرالدین رازی، «نوادر التبادر» دُنیسری و «تزهت القلوب» حمد الله مستوفی که در حقیقت یک کتاب هیأت و جغرافیاست و در قسمت جغرافیای معدنی به شرح معادن انواع مواد معدنی در ایران پرداخته، از این جمله است.

آثاری که از قرن نهم به بعد به زبان فارسی در شبه قاره هند و پاکستان درباره جواهرات و جواهرنامه‌ها پدید آمد نیز به مراتب بیش از آن چیزی است که تا پیش از آن در زبان فارسی موجود بود. از جمله متون چند دانشی این دوره، که بخش بزرگی از آنها به سنگ‌های گران بها اختصاص دارد، «جواهرالعلوم همایونی» است که محمد فاضل بن علی سمرقندی آن را در دوران پادشاهی همایون بامری و در حدود ۹۶۲ تألیف کرده است و همچنین «گنج بادآورده صاحبقرانی» که تألیف حکیم امان‌الله خان کابلی (متوفی ۱۰۴۶) است و از مفصل‌ترین کتاب‌های این حوزه به حساب می‌آید. (رک: منزوی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۶۶۲).

از لحاظ تاریخی، از مجموعه آثار دسته دوم، نخست آثار ترجمه شده از نویسندگان یونانی یا منسوب به آنها اهمیت دارد. نخستین اثر، کتاب «خواص الاحجار و نقوشها» منسوب به هرمس و سپس «کتاب الاحجار» منسوب به ارسطو، ترجمه لوقا بن سراپیون است.^۲

از میان جواهر نامه‌های موجود به زبان عربی نیز کهن‌ترین آثار، رساله کوتاهی از جابر بن حیان با عنوان «کتاب الاحجار» یا «علل المعادن» است (سزگین، ۱۳۸۰، ج ۴: ۲۳۵) و نیز کتاب «منافع الاحجار» یا «الاحجار و الخرز و منافعها» تألیف عطارد بن محمد حاسب منجم (متوفی ۲۰۶). جواهرنامه کهن دیگر، «کتاب الاحجار» کندی است (رک: ششن: ۷۰۷-۷۰۸) که البته رسالات دیگری نیز در این علم بدو منسوب شده. تقریباً مقارن تألیف کتاب کندی، یحیی بن ماسویه (متوفی ۲۴۳) «کتاب الجواهر و صفاتها» را در معرفی ۲۱ ماده کانی نوشت. دیگر کتاب مهم این دوره «خواص الاحجار» حنین بن اسحاق، مؤلف کتاب «الادویه المفردة» است. وی به زبان یونانی مسلط بوده و کتب بقراط، جالینوس و ارسطو را ترجمه کرده است. پس از او حسن بن احمد، مشهور به ابن حانک (متوفی ۳۳۴)، کتاب «الجوهرتین العتیقتین المائعتین من الصفراء و البیضاء» را نوشت که در آن به تفصیل به بررسی طلا و نقره پرداخته است.

در قرن چهارم، ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن خالد جزار قیروانی، مشهور به ابن جزار، (متوفی ۳۶۹) «کتاب الاحجار» را تألیف کرد که به جز نقل قول‌هایی از آن در چند کتاب، چیز دیگری از آن نمانده است. (سزگین، ۱۳۸۰، ج ۳: ۳۰۶) مشهورترین اثر قرن پنجم، «کتاب الجماهر فی معرفه الجواهر» ابوریحان بیرونی است و در قرن ششم نیز محمد بن عبدالملک بن زهر (متوفی ۵۹۵)، از خاندان ابن زهر، تفسیر مختصر «منافع الاحجار لارسطاطالیس» را تألیف کرد که از آن نسخه‌ای موجود است (رک: ششن، ۱۹۹۷: ۷۴۱).

در اوایل قرن هفتم، شهاب‌الدین ابوالعباس تیفاشی اثر مشهور خود «ازهار الافکار فی جواهر الاحجار» را در معرفی سنگ‌های گران بها نوشت. این کتاب در کنار سایر آثار منسوب به حکیم تیفاشی به سبب توجه بیشتر به خواص درمانی جواهر و احجار و اشتغال بر تجربیات عینی مؤلف، اثر مهمی در جواهرنامه‌های پس از خود گذاشت. به گونه‌ای که برای مثال می‌توان جواهرنامه «کنزالتجار فی معرفه الاحجار» (تألیف ۶۸۱) بیلک بن محمد قبیجاقی را عملاً تحریر جدیدی از کتاب تیفاشی دانست. جواهر نامه قزوینی نیز در بسیاری از موارد متأثر از این اثر و نیز سایر رسالات ایشان است. در اواخر این قرن، عزالدین اباهیم سویدی کتاب «خواص الاحجار من البواقیت و الجواهر» را تألیف کرد. (رک: ششن، ۱۹۹۷:

مهم‌ترین جواهرنامه قرن هشتم «نخب‌الذخائر فی احوال الجواهر» ابن‌اکفانی (متوفی ۷۴۹) و مهم‌ترین جواهرنامه قرن نهم «المقاصد السنیّه فی المعرفه الاجسام المعدنیّه»، تألیف تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، است (رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ج ۱۰: ۱۷۰۹). از دیگر جواهرنامه‌های این قرن «درّ الانوار فی اسرار الاحجار»، تألیف عیسی مرجوشی و «المقاله الیاقوتیه فی انواع الجواهر» از جلال‌الدین سیوطی است (رک: جواهر نامه نظامی، پیوست ۱، ۳۸).

افزون بر آثار عربی نام برده جواهرنامه‌های فارسی بسیاری نیز نوشته شده است. ظاهراً کهن‌ترین اثر فارسی درباره جواهرات، مقاله‌ای از نصر بن یعقوب دینوری، دانشمند و نویسنده قرن چهارم، بوده که ابوریحان بیرونی به صراحت به فارسی بودن آن اشاره کرده است. (بیرونی، ۱۳۷۴: ۱۰۳) و کهن‌ترین جواهرنامه فارسی موجود، که اختصاصاً به معرفی سنگ‌های گران بها پرداخته جواهرنامه نظامی اثر محمد بن ابی البرکات جوهری نیشابوری است که در سال ۵۲۹ ق. تألیف شده است.

ترتیب مدخل‌ها و مطالب مندرج در این کتاب نشان می‌دهد که این جواهر نامه مأخذ اصلی «تنسوخ نامه ایلخانی» و «عرایس الجواهر» ابوالقاسم کاشانی بوده و عمده مطالب این دو کتاب مشهور از این جواهر نامه گرفته شده است. (نیز رک: جوهری نیشابوری، ۱۳۸۳: ۳۳ و ۳۳) پس از این در شرق جهان اسلام، اغلب کتاب‌های جواهر شناسی، اقتباسی از تنسوخ نامه ایلخانی با بعضی تغییرات جزئی است. یکی از این آثار «جواهر نامه سلطانی» اثر صدرالدین دشتکی است که البته به قسمت‌هایی از الجماهر بیرونی و پاره‌ای از آرای حکمای غرب جهان اسلام چون حکیم تیفاشی نیز اشاره دارد.

پس از این اثر در قرن هفتم دو اثر با نام تنسوخ‌نامه به فارسی تألیف شده است؛ یکی «تنسوخ‌نامه ایلخانی» از نصیرالدین طوسی و دیگری «تنکسوق‌نامه» رشیدالدین فضل‌الله همدانی که به «طب‌اهل‌ختا» مشهور است و می‌توان آن را از کتب دسته اول دانست که در طب و داروشناسی (ادویه مفرده) نوشته شده اما شامل توضیحاتی در باب بسیاری از جواهر، احجار و فلزات می‌باشد. «عرایس الجواهر و نفایس‌الاطایب» ابوالقاسم عبدالله کاشانی نیز متعلق به پایان قرن هفتم و آغاز قرن هشتم است.

در اوایل قرن نهم، حاجی‌زین عطار جواهرنامه خود را تألیف کرد. (رک: منزوی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۸۱۸) جواهرنامه فارسی دیگر نوشته شده در این قرن، «جواهر نامه سلطانی» تألیف صدرالدین محمد بن منصور دشتکی است که به نام اوزون حسن تألیف شده و تأثیر بسیاری بر جواهر نامه قزوینی داشته است.

در قرن دهم نیز «جواهرنامه» حکیم محمد بن مبارک شاه قزوینی شاگرد صدرالدین مذکور تألیف شد که بیشتر به خواص دارویی جواهرات و احجار توجه داشت.